

## آیا بعد از مرگ قذافی در لیبی دمکراسی برقرار خواهد شد؟

سقوط رژیم دیکتاتوری لیبی توسط نیروهای ناتو و جایگزینی مهره های دست پرورده امپریالیسم آمریکا بجای حکومت سابق ، پرسشهای زیادی را برانگیخته است. درشرایطی که سردمداران حقوق بشر به رهبری آمریکا دم از دمکراسی و بهار عربی می زنند ، عملکرد آنان در چند کشور عربی نظیر تونس ، مصر و لیبی ثابت می کند که : آن نسیم آزادی و خیزشهای مردمی را که پس از سالها دیکتاتوری در این کشورها وزیدن گرفته بود ، سردمداران حقوق بشرعامدانه و آمرانه به کجراه کشیده اند.

عملکرد دولتهای آمریکا و اروپا در کشورهای عربی ثابت کرده است که طرح بهار عربی از جانب آنان نسخه جدیدی است از تقویت پان اسلامیت در کشورهای عربی و خاورمیانه. اگر در گذشته آمریکا از جریاناتی نظیر بن لادن ، ملا عمر ، آیت الله خمینی و حتی جبهه نجات اسلامی در الجزایر حمایت می کرد ، اکنون بهار عربی نسخه جدید همان سیاست است که به روز در آمده (update شده) ، با این تفاوت که بجای فرد ، احزابی گمارده می شوند که درحین اسلامی بودن منافع آمریکا و اروپا را بیشتر تضمین کنند. بیهوده نیست که آمریکا محمد البرادعی رئیس سابق سازمان انرژی اتمی را قبل از سقوط حسنی مبارک سراسیمه راهی مصر کرد تا بعنوان نماینده آمریکا ، این سیاست جدید را به اخوان المسلمین مصر تفهیم نماید. بطور قطع بدون چراغ سبز آمریکا ارتش وابسته به آمریکای مصر هرگز جرأت نداشت به کلیسای مسیحیان حمله کند و قبطی هایی را که سابقه اسکان آنان در این سرزمین بمراتب بیشتر از مسلمانان است به گلوله ببندد. این همان ارتشی است که به دستور آمریکا در جریان تظاهرات چند ماهه در میدان التحرير قاهره بر علیه دولت حسنی مبارک اعلام بی طرفی کرد و هیچ وقت وارد میدان نشد.

از آنجا که در چند دهه گذشته پشتیبانی و حمایت بیدریغ از مرتجع ترین اقشار اسلامی نظیر بن لان و ملا عمر و خمینی نتایج خوبی برای آمریکا ببار نیاورده است ، لذا حفظ منافع آمریکا و اروپا ایجاب می کند تا اسلام مورد توجه آنان به روز در آید. نمونه این سیستم جدید ، رژیم دیکتاتوری رجب طیب اردوغان در ترکیه است که مدتهاست توسط آمریکا و اروپا بی مناسبت و با مناسبت از آن بعنوان نمونه «اسلام مدرن» یاد می شود. بدون تردید روش جدید حمایت از جریانات اسلامگرای منطقه و برپائی سیستم حکومت « اسلامی مدرن » نظیر ترکیه ، حداقل چند سالی می تواند توده های نا آگاه را آرام کند ، همانطور که در ایران این اتفاق افتاد و بیش از سی سال طول کشید تا مردم متوجه شدند رژیم جمهوری اسلامی مورد حمایت غرب بمراتب از رژیم دیکتاتوری شاه هم بدتر است. آمریکا و اروپا دیروز در ایران به مرتجعین اسلامی کمک کردند تا مبارزات مردم را به کجراه بکشند ، امروز همان تجربه را در کشورهای عربی استفاده کرده اند تا نسیم بهار را برای توده های عرب به خزان تبدیل کنند.

در حالیکه چند روز از سقوط رژیم لیبی نگذشته و هنوز در بخشهایی از این کشور مقاومت بر علیه ناتو و عوامل غرب وجود دارد ، آمریکا و اروپا یک عده افراد مرتجع با ظاهر غرب پسند را بعنوان حکومت جدید لیبی به مردم تحمیل کرده اند. از نمونه های دست آورد دمکراسی غربی برای لیبی همین بس که معمر قذافی دیکتاتور این کشور توسط نیروهای ناتو و عوامل دست نشانده آنان زنده دستگیر شد ، اما برخلاف قوانین بین المللی با وی بعنوان یک اسیر جنگی رفتار نکردند. غربی ها از ترس اینکه مبدا وی اسرار آنها را برملا کند ترجیح دادند قذافی بجای محاکمه فوری کشته شود و در انظار جهانیان چنین کردند. نمونه دیگر اظهارات مصطفی عبدالجلیل رئیس دست نشانده مجلس ملی انتقالی لیبی است که در سخنرانی اش اعلام کرد که قذافی قانون تک همسری را به لیبی تحمیل کرده بود و ما اکنون قانون شریعت اسلامی را جاری می کنیم که بر طبق آن مردان آزادند چند همسر اختیار کنند. این اظهارات دوران جاهلیت مصطفی عبدالجلیل نیز بلا فاصله توسط فرانسویها مورد استقبال قرار گرفت و آنان با آب و تاب تمام تبلیغ کردند که از این پس شریعت اسلامی در لیبی پیاده خواهد شد! در روزگاری که غرب خود را فاتح آسمانها می داند و هنوز طرابلس سقوط نکرده بود که شرکت توتال فرانسه دست بکار صدور نفت مجانی لیبی گردید ، عجب نیست که حال سیاستمداران فرانسه اسلام شناس از آب درآیند و هماهنگ با مرتجعین حاکم بر لیبی دم از شریعت اسلامی هم بزنند.

به نقل از: وب سایت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران